

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Letters & Suggestions

نامه ها و پیشنهاد ها

محمد ایاز نوری

۳۰/۰۴/۲۰۱۰

## محترم ورور شاغلي محمد علي سجاد ته په خبرگون كي...

گرانه وروره سجاد صاحب!

بعد از عرض سلام و احترام، با تقدیم معذرت از تأخیر در عکس العمل این بنده نادان در رابطه به موضوع ارسالی مورخ ۲۵ اپریل تان در یاد بود از آن راد مرد تاریخ معاصر افغانستان زخمی ما اعلیحضرت امان الله خان غازی که همانا مصروفیت روزگار بوده است، خواستم نکاتی را بنگارم.

من مضمون نهایت زیبای جناب شما را با علاقه تمام مطالعه نمودم. قطعه شعری را که در آغاز منحيث عنوان و تحفه به اعلیحضرت غازی انتخاب کرده اید، واقعاً یک خطاب ویژه ای است که من تا حال کمتر سراغ داشته ام. جناب شما در یک قسمت از مضمون تان شکسته نفسی نموده و نوشته اید که نه ادیب و نه نویسنده هستید... در رابطه موقع را مغتنم شمرده، اظهار میدارم که اگر درین جا منظور از مسابقه نویسندگی باشد، من خودم به خود نمره منفی یک را داده و ناکام میباشم. اما اگر درین مقطع تاریخی کشور هدف، رساندن حقایق و نظریات به یکدیگر باشد، پس من جرأت کرده میگویم که هم شما و هم من نویسنده هستیم. شما در نوشته ای که نشر کرده اید خواننده از مطالعه آن منظور شما را به طور واضح راجع به شخصیت کم نظیر افتخار ملت کشور اعلیحضرت مرحوم امان الله خان را به خوبی میفهمد. پس خواهش من از شما این است که شکسته نفسی را کنار گذاشته و قلم به دست البته در حد امکان تان واقعیت های ناگفته را فقط بنویسید. خاین را در هر جامه ای که خویش را بپچانده است، به رسوائی بکشید، بالخصوص خاندان نهایت مکار، بی وجدان و ظالم نادری را...!؟

من حکایت پدر گرامی و بزرگوار مخلص امانی شما را به دقت و علاقه وافر چند بار خواندم و اینک نوشته تان را در پیشم دارم. من منحيث یک افغان و خدمتگار ناکام درگاه امانی در هر قطره اشک بابیه جان شما که به ارتباط پدر معنوی ملت افغانستان اعلیحضرت غازی ریخته اند، خود را شریک میسازم. در واقع پدر شما که نام جناب ایشان را ذکر نکرده اید، انسان بزرگ و نهایت آزادمنش و وطنخواه بوده است. چون یاد از اشک چشمان به میان آمد، اگر به خویش ستائی حساب نشوم، در زندگی ام پیهم در حالت تنهای تنها یک فوتوی اعلیحضرت غازی را در

مقابل خود گذاشته ام در حالیکه خالقم، من و روح پاک اعلیحضرت غازی را حاضر دانسته ام اشک بی اختیار از هر دو چشمم ریختن گرفته است، در حالیکه نزدیکترین کس به من یعنی خانم من هم آگاه نشده است.



داستانی را که شما از قبله گاه مرحوم تان روایت کرده و به خدمت افغان های موافق و منافق اعلیحضرت غازی پیشکش کرده اید، اهمیت خوب تاریخی داشته، و مفهوم یک کتاب را در خود دارد. من منحیث یک انسان و افغان عقیده مند باور کامل دارم، که جناب شما با عرضه این خاطره شخصیت بزرگوار و سزاوار رهبری و مستحق بودن به زعامت اعلیحضرت امان الله خان غازی را به شکل عالی آن به نمایش گذاشته و روح آن پادشاه به ارمان رفته ازین جهان را حتما کافی خوشنود ساخته اید. مطمئن باشید.

من نامه شما را چاپ و به یادگار زنده اعلیحضرت غازی و الاحضرت شهزاده داکتر صاحب احسان الله خان و جناب کبیر الله خان سراج میفرستم اگر شما هموطن عزیز میل دارید همین خاطره پدر مرحوم تانرا شفاهی از طریق تلیفون به داکتر احسان الله خان تقدیم نمایید، من آدرس ایمل خویش را به شما مینویسم، با من تماس بگیرید که اجازه تماس تلفونی را از شهزاده گرامی اخذ و زمینه صحبت تان با جناب عالی فراهم سازم.

در خاتمه احساس ملی و آزادی خواهی تان را تمجید نموده، شما را به الله حکیم و قیوم میسپارم.

با احترام